

کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلاب ایران (راه کارگر)

۱۶ آذر (روز دانشجو) شعله ای که همچنان پا برجاست!

در ایران، استبداد مذهبی و فلاکت عمومی رو به رشد است و خطر محاصره اقتصادی و تهاجم امپریالیستی هر روز جدی تر مطرح می شود، از یکسوی جنبش های اجتماعی گوناگون، همچون: دانشجویان، جوانان، زنان، ملیت های تحت ستم، کارگران، بیکاران و... فعال تر و رادیکالیزه شده اند و از سوی دیگر حکومتگران می کوشند با تشدید فشار، سرکوب، دستگیری و زندان، اعدام های هرروزه، پیشروی این جنبشها را با موانع جدی روبرو سازند. در چنین پائیز شومی، آذر ماه نیز از راه رسیده است.

درحافظه تاریخی کشورما، در هر دو نظام (شاه و شیخ) آذرماه با کشتاروتجاوز به حقوق مردمان ایران تداوی می شوند: کشتار مبارزان جنبش آذربایجان و کردستان ایران در ۲۱ آذر ۱۳۲۵، نظامی کردن صحن دانشگاه از قوای کودتاگرو قتل سه چهره جنبش دانشجویی (شریعت رضوی- محدث قندچی- بزرگ نیا) در روز ۱۶ آذر ۳۲. به خون درفالتان دو چهره سرشناس آزادیخواه اپوزیسیون نظام پروانه اسکندری و داریوش فروهر و قتل نویسنده و مترجم دیگر اندیش مذهبی مجید شریف، شکنجه و قتل دو تن از سازماندندگان اصلی کانون نویسندگان ایران و مدافعان پیگیر آزادی اندیشه و قلم بدون حصر و استثناء؛ محمد مختاری و محمد جعفر پوینده در آذرماه ۷۷ شماری از رویدادهای خونین این ماه هستند.

در ایران جنبش دانشجویی با شعار: اتحاد- مبارزه - پیروزی به راه افتاد و در طی این همه سال، هیچ مانعی نتوانست، مقاومت دانشجویان در زنده نگهداشتن نام ۱۶ آذر (روز دانشجو) را در هم بشکند.

آنچه طی چند ساله اخیر، فعالیت دانشجویان را برجسته می سازد، فراتر رفتن مبارزات دانشجویی از حصار محدود مطالبات صنفی درون دانشگاه ها و جهت گیری در همرازی با سایر جنبش های اجتماعی و رویارویی با تمامیت نظام جمهوری اسلامی است. هر چند در این زمینه ما با گامهای آغازینی روبرو هستیم. اما همراهی دانشجویان در اینجا و آنجا با مبارزات زنان، با اعتصابات کارگران سندیکای شرکت واحد و دیگر فعالان کارگری، با خانواده های اعدامیان دوکشتار ۶۰ و ۶۷ و بویژه همراهی با مادران و پدران داغدار و دادخواه در جمععات گلزار خاوران و در برابر زندان اوین، نمودار کوچک این وضعیت تازه است. در همین راستا باید اضافه کرد: ابتکار عمل جمع آوری کمک های مالی، سازماندهی تظاهرات برای جلوگیری از اخراج اساتید مستقل دانشگاهها، گردآمدن در فرورم های اجتماعی ضد جنگ، تدارک تربیون های آزاد بر علیه سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیست ها و حامیان داخلی و خارجی آن، رودررویی با سیاستهای جنگ آفریزانه رژیم، مقابله با سیاست نظامی نگهداشتن فضای دانشگاه و امنیتی ساختن آن توسط رژیم، هزینه های سنگینی راتابه امروز به دنبال داشته است.

مجموعه این تحرکات، موجب شده تا رژیم حلقه محاصره اش را برای سد کردن پیشروی بیشتر جنبش دانشجویی تنگتر کند. دستگیری، زندان، محاکمات در بسته، ستاره دار کردن دانشجویان، معلق کردن فعالان دانشجویی از ترم های تحصیلی، رودررویی آشکار حراست و نیروهای امنیتی نظام در برابر پیشروی و رادیکالیزه شدن این جنبش، در ماههای اخیر شتاب بیشتری یافته است. تشدید این سرکوب ها و بگیر و به بند ها توسط رژیم جمهوری اسلامی که به بهانه خطر خارجی صورت می گیرد، در واقع برای برون رفت از بحرانی ست که خود نقش کلیدی در تشدیدش داشته و دارد. اما، مردم فریبانه تلاش می کند مبارزات فعالان جنبشهای اجتماعی از جمله جنبش دانشجویی را به عوامل خارجی نسبت دهد. اتهام اقدام " علیه امنیت ملی " طی ماههای اخیر علیه فعالین دانشجویی، زنان، کارگران، روزنامه نگاران... ناشی از همین سیاست ارتجاعی رژیم است. در راستای این سیاست است که زندان ها از آزادیخواهان پر می شوند و حلقه محاصره بر جنبشهای اجتماعی تنگ تر می گردد.

جنبش دانشجویی به مانند سایر جنبشهای اجتماعی علیرغم سرکوب گسترده رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی به پیشروی خود ادامه می دهد. در چنین فضایی، تلفیق کارمخفی و علنی و پیوند خوردن هر چه بیشتر با جنبش طبقاتی در بیرون از دانشگاه این پیشروی را بیشتر تضمین می نماید و ادامه کاری مبارزان را ممکن تر می سازد...

جنبشی که در تلاش تکوین وضعیت ناموزون خویش و فائق آمدن بر شرایط تا به امروز پشت سر گذاشته خود است، با خیز برداشتن به سوی جنبش های طبقاتی و مطالباتی، می تواند بحرکت درآید و البته در اینراه چنانکه اشاره رفت، گامهای نخستین را آغاز کرده است. هر چند که هنوز در پیوندی ارگانیک با این جنبش هائقرار نگرفته و فشار نیروهای رنگارنگ و رشکسته اصلاح طلب، نیروهای لیبرال، ملی مذهبی، سوسیال دمکرات های وطنی و غیره... این پیشروی را کند می کند. چپ سر برون آورده از این جنبش، که نسل تازه ای از

